

# عهد او گفتگو



تفسیر پاراشای هفته  
توسط ربای ساکس

"من ایمان دارم" - تفسیرهای تورات از ربای لرد جاناتان ساکس در سال ۵۷۸۰

پاراشای هفته: ویتسه ۵۷۸۰

لاوان آرامی

Rabbi Lord Jonathan Sacks

Laban the Aramean

Vayetse 5780

رویدادهای روایت شده در پاراشای این هفته – فرار یعقوب نزد لاوان، اقامت نزد او، گریز و تعقیب توسط پدرزنش، الهام بخش عجیب ترین بخش هگادا شده است. این بخش از هگادا در تفسیر تثنیه ۲۶:۵ که بر سر سفرهٔ پسح میخوانیم، چنین است:

*Arami oved avi*، پدرم یک آرامی آواره بود. بیا و بنگر که لاوان آرامی با پدر ما یعقوب چه کرد. زیرا فرعون تنها پسران ما را محکوم به مرگ کرد، اما لاوان می خواست همه چیز را ریشه کن سازد.

این متن سه مشکل دارد. نخست، عبارت *Arami oved avi* را به این معنا می گیرند که: "لاوان آرامی کوشید پدرم را نابود کند". اما این نمی تواند معنای کامل جمله باشد، زیرا چنان که ابن عذرا می گوید *oved* یک فعل بدون نیاز به فاعل است. فاعل ندارد. به معنای از

دست رفته، آواره، فراری، فقیر، بیخانمان یا در لبه پرتگاه نابودی. پس این عبارت چنین معنایی می دهد: پدرم یک آرامی آواره بود. "پدر"ی که به او اشاره می شود، یا یعقوب است (بنا به نظر ابن عذرا و سفورنو) یا ابراهیم است (بنا به نظر راشبام) یا همه پدران (بنا به نظر شادال). واژه آرام، اشاره است به منطقه ای که ابراهیم از آنجا سفر خود به کنعان را آغاز کرد و یعقوب از ششم عساو به آنجا گریخت. معنای کلی این جمله این است که پدران هیچ زمین و خانه ای دائمی نداشتند. آنها آسیب پذیر بودند. بیابانگرد بودند. لاوان در این آیه اصلا حضوری ندارد، مگر به زور چنین خوانشی را تحمیل کنیم.

دوم، هیچ شواهدی نیست که لاوان آرامی به یعقوب آسیبی رساند. برعکس، زمانی که به دنبال او بود (قبل از گرفتنش) می خوانیم: "خدا به لاوان آرامی شبانه پدیدار شد و گفت "برحذر باش از اینکه هیچ کاری چه خوب و چه بد در مورد یعقوب انجام ندهی". (پیدایش ۳۱:۲۴). لاوان خودش به یعقوب گفت "من قدرت آسیب رساندن به تو را دارم؛ اما خدای پدرت دیشب به من گفت: برحذر باش از اینکه هیچ کاری چه خوب و چه بد در مورد یعقوب انجام ندهی". این گونه، لاوان هیچ کاری در مورد یعقوب و خانواده اش انجام نداد. ممکن بود بخواهد کاری کند، اما در نهایت اقدامی نکرد. فرعون برعکس، نه تنها قصد شرارت نسبت به بنی اسرائیل داشت، بلکه در عمل چنین نیز کرده، نوزادان پسر را کشت و کل جمعیت را به بردگی گرفت.

سوم و از همه مهمتر: شب پسح اختصاص دارد به بازگویی داستان خروج از مصر. ما وظیفه داریم که آنها را یاد آورده، در قلب فرزندانمان حک کنیم و "هرچه بیشتر داستان خروج از مصر را بازگو کنیم، ستایش انگیزتر می شود". پس چرا معجزه را با گفتن این حرف کمرنگ کنیم و بگوییم: "مصر؟ آنجا کجا و نزد لاوان کجا!"

این همه بسیار عجیب است. بگذارید من توضیحی برای آن بدهم. ما اینجا عبارتی داریم با دو معنای متفاوت، بسته به پیش زمینه خوانش ما.

متن *Arami oved avi* [پدرم آرامی آواره ای بود]، در اصل، هیچ ربطی با پسخ ندارد. این متن در تورات بیانیه ای است برای پیشکش کردن میوه های نوبر به معبد که معمولا در شاووعوت انجام می شد. "پس باید در پیشگاه خداوند خدای خود چنین بگویی: پدرم یک آواره آرامی بود و به مصر پایین رفت... سپس، خداوند با دست قدرتمند و بازوی افراشته ما را از مصر بیرون آورد و این سرزمین را به ما داد که در آن شیر و عسل جاری است؛ و اینک من میوه های نوبر خاکی را که تو ای خداوند به ما داده ای، پیشکش آورده ام (تثنیه ۱۰-۵:۲۶).

در پیش زمینه میوه های نوبر، ترجمه لفظی "پدرم یک آرامی آواره بود"، معنای روشنی می دهد. متن، گذشته ای را که طی آن پدران، بیابانگرد و ناچار به سرگردانی از مکانی به مکان دیگر بودند، در تقابل با زمان کنونی قرار می دهد که به شکرانه خدا بنی اسرائیل، سرزمینی از خود دارند. تقابل میان بیخانمانی و خانه داشتن. اما این زمانی است که به ویژه روی میوه های نوبر و محصول سرزمین تمرکز می کنیم.

اما برخی تفسیرها این پاراشا را در پیش زمینه پسخ، سدر و روایت خروج دیده اند. میدراش تاکید می کند که باید این بیانیه در شب پسخ و بر سر سفره آن [سدر] خوانده شود. به احتمال نزدیک به یقین، دلیل این است که همان ریشه فعل "ه گ د" که واژه هگادا از آن ساخته می شود، در ارتباط با بازگویی داستان پسخ (در خروج ۱۳:۸) و در بیانیه پیشکش میوه های نوبر (در تثنیه ۳:۲۶) به کار می رود و موارد استفاده از این ریشه فعل، نسبتا کمیاب است.

این نکته مشکلی بزرگ پدید آورده است. پاراشا در واقع با پایین رفتن به مصر، مورد اذیت قرار گرفتن و بیرون آمدن از آنجا به قدرت خدا ارتباط دارد. اما ارتباط میان "پدرم یک آرامی

آواره/فراری بود" با روایت خروج از مصر چیست؟ پدران و مادران قوم یک زندگی بیابانگردی داشتند. اما دلیل، این نبود. آنها چنین کردند زیرا در سرزمین، خشکسالی شده و یوسف وزیر مصر بود. این هیچ ارتباطی با آوارگی نداشت.

اما حکیمان تلمودی نکته ای عمیق درباره روایت های پدران و مادران قوم دریافته بودند. آنها این اصل را جمعبندی کردند که *ma'asei avot siman lebanim* یعنی آنچه برای پدران اتفاق افتاد، نشانه ای بود برای فرزندان. آنها دیدند که برخی پاراشاها در سفر پیدایش تنها در صورتی فهم می شوند که آنها را زمینه ساز و مقدمه رویدادهای بعدی بدانیم.

نمونه ای کلاسیک در باب ۱۲ پیدایش است، زمانی که ابراهیم و سارا درست پس از رسیدن به سرزمین کنعان ناچار به رفتن به مصر شدند. جان ابراهیم در خطر بود. سارا را به حرمسرای فرعون برده بودند. آن گاه خدا بر خاندان فرعون بلاها فرود آورد و فرعون آنها را آزاد کرد. شباهت این روایت با روایت خروج از مصر آشکار است.

بعدا نظیر آن برای ابراهیم و سارا در گرار (باب ۲۰ پیدایش) رخ داد و همچنین در گرار برای اسحق و ربکا (باب ۲۶ پیدایش). اما آیا یعقوب، زمینه سازی خود برای اسارت و خروج از مصر را از سر گذرانند؟ بله گذرانند. در سنین پیری با خاندانش به مصر پایین رفت. اما رفتن او نه پیشدستی بر خروج از مصر، بلکه خودِ رویدادِ اسارت و خروج از مصر بود.

یعقوب پیشتر در پاراشای این هفته به تبعید رفت، ولی نه به خاطر خشکسالی. از ترس عساو گریخت. اما تبعید او در سرزمین بیگانگان نبود. به سوی خانواده مادری اش رفت. یعقوب گویی تنها نفر در میان پدران است که پیشاپیش در تجربه تبعید و اسارت و خروج زیست.

اما حکیمان تلمودی نظر دیگری داشتند. یعقوب در زندگی نزد لاوان، آزادی خود را از دست داد. او در واقع، بردهٔ پدرزن خود شد. سرانجام، بدون اطلاع لاوان گریخت. می دانست که لاوان اگر دستش می رسید، می توانست او را مانند یک زندانی در خانوار خود نگه دارد.

از این نظر، تجربهٔ یعقوب نزدیکتر به خروج از مصر بود تا تجربهٔ ابراهیم یا اسحق. هیچ کس ابراهیم یا اسحق را از رفتن بازداشت. هیچ کس به پیگرد آنها نرفت. و هیچ کس با آنها بدرفتاری نکرد. اما تجربهٔ یعقوب در خانهٔ لاوان، سخت ترین زمینه سازی برای اسارت مصر بود. "آنچه برای پدران رخ داد، نشانه ای بود برای فرزندان".

اما لاوان کجاست در این عبارت: *Arami oved avi* پدرم یک آرامی آواره بود؟ پاسخ چنین است: در سراسر تورات، تنها لاوان و پدر لاوان، بتویل، آرامی یا هاآرامی نامیده می شوند. پس آرامی یادآور "لاوان" است.

از کجا می دانیم که لاوان در پی آسیب رساندن به یعقوب بود؟ زیرا خدا در خواب شبانه به او پدیدار شد و گفت: "برحذر باش که هیچ کاری در مورد یعقوب انجام ندهی، چه خوب و چه بد". اگر لاوان خیال آسیب زدن به یعقوب را نداشت، خدا به او هشدار نمی داد. خدا به ما برای کاری که نخواهیم کرد، هشدار نمی دهد. افزون بر این، روز بعد لاوان به یعقوب گفت: "در قدرت من هست که به تو آسیب برسانم". این یک تهدید بود. روشن است که اگر خدا به لاوان هشدار نمی داد، در واقع او به یعقوب آسیب می رساند.

این نکته را چگونه در آیه می یابیم؟ هرچند ریشهٔ *a-v-d* به معنای گمشده و آواره است اما این ریشه همچنین هنگام صرف به زمان های *piel* یا *hiphil* در زبان عبری به معنای "نابود کردن" است. البته که لاوان "پدرم" یا فرد دیگری را نابود نکرد. اما این بخاطر دخالت

الهی بود. پس جمله را می شود چنین معنا کرد [لاوان] آرامی [کوشید] پدرم را نابود کند. راشی آیه را این گونه می فهمید.

اینک چگونه این جمله را بفهمیم: "فرعون تنها پسران را به مرگ محکوم کرد، اما لاوان در پی ریشه کن کردن همه چیز بود"؟ پاسخ این نیست که لاوان می خواست همه اعضای خاندان یعقوب را نابود کند. درست برعکس. او به یعقوب گفت: "زنان تو دختران من و فرزندان تو فرزندان من و گله های تو گله های من هستند. هر چه می بینی مال من است" (پیدایش ۴۳:۳۱). یعقوب حدود بیست سال کار کرده بود تا صاحب خانواده و گله های خود شود. اما لاوان هنوز ادعا می کرد که مال او هستند. اگر خدا دخالت نمی کرد، کل خانواده یعقوب را همچون زندانی خود نگه می داشت. از این رو گفته شد که لاوان با محروم کردن آنها از هرگونه بختی برای آزادبودن، "در پی ریشه کن همه چیز بود".

این تفسیر از *Arami oved avi* معنای معمول آن نیست، اما معنای معمول این پاراشا را به پاراشای آوردن میوه های نوبر ارتباط می دهد. این نبوغ حکیمان تلمودی بود که به آن تفسیری مربوط به پسخ و خروج از مصر دادند. هرچند خوانشی دور از انتظار از پاراشا دارد، اما تفسیری پرکشش از کل روایت یعقوب در خانه لاوان به دست می دهد. به ما می گوید که سومین نفر از پدران قوم که نوادگان او در مصر، روایت اسارت و خروج را رقم زدند، خودش در جوانی یک تجربه اسارت در مصر و خروج را از سرگذرانده بود.

*Ma'asei avot siman lebanim* ، "آنچه برای پدران اتفاق افتاد، نشانه ای بود برای فرزندان آنها"، به ما می گوید که آنچه اینک اتفاق می افتد، قبلا رخ داده است. این بدان معنا نیست که خطر را باید دستکم گرفت. بلکه یعنی هرگز نباید ناامید شویم. ابراهیم، اسحق و یعقوب و همسرانشان غربت و اسارت و خروج از مصر را تجربه کردند، تا گویی به نسل های

بعد از خود بگویند که این قلمرویی ناشناخته نیست. خدا آن زمان با ما بود. او اینک با شما خواهد بود.

من ایمان دارم که می توانیم بدون ترس با آینده رویاروی شویم، زیرا پیشتر در جایی که اینک هستیم بوده ایم؛ زیرا که ما تنها نیستیم.

شبات شالوم



برای دیگر آثار ربای ساکس لطفاً از این تارنما بازدید فرمایید - [www.rabbisacks.org](http://www.rabbisacks.org)  
کلیه حقوق محفوظ است • دفتر ربای ساکس توسط بنیاد عهد و گفتگو حمایت می شود

\*ترجمه فارسی با مشارکت بنیاد ایرانی هارامبام، وابسته به فدراسیون یهودیان ایرانی-آمریکایی توسط

شیریندخت دقیقیان Shirin D. Daghighian Persian Translation by